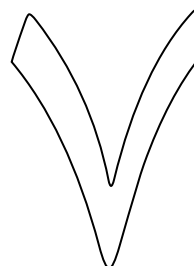


ایران و آفریقای جنوبی: سیر
تحول روابط دوجانبه و
ظرفیت سنجی آینده



احمد بخشى*

Email: Bakhshi@Birjand.ac.ir

تاریخ تصویب: ۹۳/۵/۲

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۶

فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۲۱۳-۱۸۱.

چکیده

در تنظیم روابط خارجی هر کشوری درک و تبیین صحیح و کامل از قدرت و توان ملی به‌ویژه در بعد سیاست خارجی، مقتضیات و ویژگی‌های محیط خارجی و قاعده و پارادایم حاکم بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، شناخت فرصت‌ها و آسیب‌پذیری‌های محیطی و تهدیدهای موجود و بسیاری از عوامل دیگر دارای اهمیت است. قاره افریقا با ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، در عصر پس از جنگ سرد و رونق منطقه‌گرایی، به یکی از مناطق تأثیرگذار تبدیل شده است که افریقای جنوبی در این مجموعه نقشی کلیدی دارد. این مقاله ضمن بررسی پیشینه روابط ایران و قاره افریقا، به دنبال بررسی اهمیت روابط ایران و افریقای جنوبی است و بر این فرضیه استوار است که گسترش روابط با قدرت منطقه‌ای و در حال ظهور مانند افریقای جنوبی، ضمن افزایش منافع ملی و تقویت همکاری‌های جنوب - جنوب، موجب کاهش فشارهای بین‌المللی و کشورهای غربی می‌شود. روش این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و در کنار آن از ماتریس سوات استفاده شده است تا ضمن بررسی نقاط قوت و ضعف جمهوری اسلامی ایران به فرصت‌ها و تهدیدهای رابطه با افریقای جنوبی پرداخته شود و از این طریق، راهکارهایی را به سیاست‌گذاران در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ارائه دهد.

واژه‌های کلیدی: افریقای جنوبی، قدرت‌های نوظهور، ایران، منافع ملی،

روابط خارجی



مقدمه

مناطق، در حال حاضر یکی از ویژگی‌های مهم سیاست بین‌الملل به‌شمار می‌روند. منطقه دسته‌ای از کشورهاست که از نظر سیاسی، وابستگی متقابل داشته یا تصور احساس هویت جمعی می‌کنند که این‌گونه هستند و یا به مجموعه‌ای از کشورها اشاره دارد که با جغرافیا و یک ویژگی مشترک یا بیشتر - مانند سطح توسعه فرهنگ یا نهادهای سیاسی - با هم در پیوندند. عده‌ای از کارشناسان، منطقه‌گرایی را تغییر در سیستم بین‌المللی می‌دانند و معتقدند «جهان در آغاز قرن بیست‌ویکم، شاهد رخنه‌های جدید در دولت - ملت‌هاست و چالش‌های جدید، تحلیل‌گران زیادی را وادار کرده است تا اظهار کنند که ممکن است شاهد تغییر از نظم کلاسیک و ستفالیایی به نظم جهانی باشیم که در آن نهادهای منطقه‌ای، در پی ایفای نقشی مهم در حکمرانی جهانی هستند (فارل و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹). روستو پس از پایان جنگ سرد مدعی شد که در دورانی که افول توانایی دولت را شاهدیم، باید «الگویی فدرالی و همکاری منطقه‌ای و جهانی» جایگزین شود تا از طریق آن بتوان به تدریج «دوران آینده منطقه‌گرایی» را نهادینه و به‌عنوان مسیری مطلوب پیشنهاد کرد (Rosow, 1990: 3-7). اندیشمندان زیادی در مورد منطقه و منطقه‌گرایی نظر داده‌اند و با عناوینی مانند جهان مناطق (کاتزنشتاین)، امنیت جهانی برآیند امنیت منطقه‌ای (بوزان، آلاگاپا و ایوب)، منطقه‌گرایی دوم (باگواتی)، منطقه‌گرایی نو (اثییر) یاد کرده‌اند که این حکایت از تبدیل شدن مناطق به کانون مهم سیاست جهان دارد نه اینکه صرفاً پیشنهادی در این باره باشد که سیاست جهان چگونه باید باشد (فرای و اهیگن، ۱۳۹۰: ۲۱۷). این مسئله باعث شد تا **باری بوزان** با تأکید بر نقش مناطق و تغییرات ساختار بین‌الملل اذعان کند که «طی نخستین دهه پس از جنگ سرد،

ساختار قدرت جهانی به صورت یک به چهار (۱+۴) در آمد که امریکا به عنوان تنها ابرقدرت و چین، اتحادیه اروپا، ژاپن و روسیه به عنوان قدرت‌های بزرگ آن محسوب می‌شدند» (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۲۰۷)؛ و علاوه بر این در جایی دیگر معتقد باشد: «ساختار اجتماعی و در نتیجه ماهیت کلی روابط میان ابرقدرت‌ها، با آنچه در فاصله سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۹ اتفاق افتاد، کاملاً متفاوت خواهد بود. وضعیت اتحادیه اروپا و یا حتی چین تا بیست سال آینده با وضعیتی که در آن همانند اتحاد شوروی در یک موضع برخورد هویتی با امریکا قرار گیرند، فاصله زیادی دارد و احتمال اینکه روابط رقابتی و یا دوستی با امریکا داشته باشند، بسیار بیشتر است» (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۹).

منطقه‌گرایی یا همگرایی منطقه‌ای دارای فواید متعددی است که از آن میان می‌توان به توسعه اقتصادی و ادغام تدریجی در اقتصاد جهانی، بهره‌مندی از مزایای تجاری، اصلاحات ساختاری سیاسی و اقتصادی، محافظت و بیمه شدن، امنیت سیاسی، افزایش قدرت چانه‌زنی، ابزار هماهنگی، دریافت و توزیع اطلاعات و ایفای نقش تریبونی اشاره کرد (کلایو، ۱۳۸۴: ۱۱). در مجموع جلوه‌های امنیتی، رویکرد همگرایی منطقه‌ای را می‌توان در چند محور زیر خلاصه کرد همکاری‌های فراملی - فروملی، التهاب‌های ملی‌گرایانه را کاهش می‌دهد و امکان ایجاد ثبات و امنیت را افزایش می‌دهد. شروع همکاری با زمینه‌های ملایم می‌تواند زمینه‌ساز مناسبی برای بهره‌برداری سیاسی - امنیتی باشد؛ همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده درون و بیرون منطقه‌ای، عمل کند و به تناسب میزان ثبات و میزان ادغام، این عامل می‌تواند ناامنی‌های درونی و بیرونی را مدیریت نماید؛ همگرایی منطقه‌ای دارای درون‌مایه‌های امنیت‌سازی است و به مرور بنیادهای امنیتی درون منطقه‌ای را پی‌ریزی می‌کند (عبداله خانی، ۱۳۸۲: ۱۲۶).

از جمله نکات مثبت دیگر منطقه‌گرایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: فاصله سنتی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را می‌پوشاند؛ فرهنگ اجتماعی لازم برای ورود به عرصه تعاملات جهانی را در کشورها ایجاد می‌کند؛ نه تنها کشورهای کوچک، قدرت عرض اندام در منطقه را می‌یابند، بلکه قدرت چانه‌زنی مناطق را در مذاکرات چندجانبه و جهانی افزایش می‌دهد؛ گرچه حجم تجارت

درون منطقه در قیاس با تجارت بین مناطق بیشتر است اما این امر ضرورتاً به معنای وخیم شدن تجارت جهانی نیست؛ چراکه تجارت درون منطقه‌ای جایگزین تجارت بین منطقه‌ای نمی‌شود، بلکه هر دو از افزایش تجارت منتفع می‌شوند؛ چون منطقه‌گرایی جدید بیشتر بر پایه بازار است، نتیجه آن افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری فرامرزی خواهد بود؛ و در حقیقت در این نگرش، منطقه‌گرایی همان جهانی شدن در مقیاسی کوچک‌تر است، زیرا منطقه دارای محدودیت جغرافیایی است (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

شاید معروف‌ترین معیار برای تعیین یک منطقه، مجاورت جغرافیایی باشد؛ بر این اساس یک منطقه از مجموعه چند کشور همسایه تشکیل می‌شود (مولر، ۱۳۸۱: ۵)، که در مجاورت جغرافیایی نسبت به یکدیگر قرار دارند (لی نور، ۱۳۸۳: ۲۰۱). علاوه بر عامل جغرافیا می‌توان منطقه‌ها را بر اساس سطح بالای تعاملات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و نظامی تعریف کرد؛ البته این تعاملات ممکن است بدون سوءنیت (همانند اتحادها یا همکاری‌های امنیتی دسته‌های منطقه‌ای) و یا مغرضانه (همانند مسابقات تسلیحاتی یا جنگ) باشد. باری بوزان با مبنا قرار دادن این معیار مفهوم «مجموعه‌های امنیتی» را پیشنهاد می‌کند (مولر، ۱۳۸۱: ۷). از این دیدگاه «منطقه» به معنی شبه‌سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌ها است که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یکدیگر باشند (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۳). **لویس کانتوری و استیون ایشپیگل** نیز منطقه را به عنوان نظام تابعه در سیاست بین‌الملل مطرح می‌کنند.

اینان قبل از هر چیز به ترسیم عرصه‌های سیاست بین‌الملل پرداخته و آن را به سه عرصه جهانی، منطقه‌ای و کشوری تقسیم می‌کنند. بر این اساس سه نوع نظام مسلط، تابعه و داخلی شکل می‌گیرد. نظام تابعه، روابط متقابل را در درون منطقه شامل خواهد شد، این در حالی است که نظام داخلی شامل کشور و سازمان‌های آن است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۸۵). در نتیجه منطقه، نواحی‌ای از جهان است که واحدهای تشکیل‌دهنده آن، از لحاظ جغرافیایی در مجاورت یکدیگر قرار گرفته و امور مربوط به سیاست خارجی آنها به یکدیگر مرتبط است. فعالیت‌ها و اقدامات دیگر اعضای مشارکت‌کننده در منطقه از متغیرهای تعیین‌کننده سیاست خارجی واحد منطقه‌ای

به‌شمار می‌رود. در حالی که ممکن است اعضای از مناطق خاص، دارای علایق خارج از منطقه باشند، اما در درجه نخست علاقه ویژه آنها مربوط به مسائل منطقه است و در شرایط معمولی تا زمانی که جایگاه دائمی خود را در منطقه به‌دست نیاورده یا نتوانند آن را حفظ کنند، قادر به دستیابی به موفقیت در سایر نقاط یا مناطق نخواهند بود. از دید کانتوری، منطقه به‌صورت ترکیبی از نزدیکی جغرافیایی، درجه بالای تعاملات، چارچوب‌های نهادی و هویت‌های فرهنگی مشترک تعریف می‌شود. منطقه‌گرایی برحسب درجه انسجام اجتماعی (زبان، قومیت، نژاد، فرهنگ، مذهب، تاریخ، آگاهی از میراث مشترک) انسجام اقتصادی (الگوهای تجاری و مکمل بودن اقتصادی) یکپارچگی سیاسی (نوع رژیم و ایدئولوژی) و انسجام سازمانی (وجود نهادهای رسمی منطقه‌ای) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

قدرت منطقه‌ای مفهومی است که پس از پایان نظام دوقطبی مطرح شد. در نظام سلسله‌مراتب جهانی، قدرت‌های منطقه‌ای بازیگرانی هستند که جایگاه و کارکردشان حائز اهمیت فراوان است. *ایویند استرو*^۱، از محققان این حوزه مطالعاتی، برای قدرت منطقه‌ای چهار مشخصه تعریف می‌کند: الف) به‌لحاظ جغرافیایی در بخشی از منطقه معینی قرار گیرد؛ ب) قادر به مقابله با هرگونه ائتلاف سایر دولت‌ها در منطقه باشد؛ ج) نفوذ بالایی در امور منطقه‌ای داشته باشد؛ د) به واسطه منزلت و اعتبار منطقه‌ای، پتانسیل تبدیل شدن به قدرت بزرگ در مقیاس جهانی را داشته باشد (Flemes, 2007: 10). همچنین به‌نظر *ماکس شومان* برای اینکه قدرت منطقه‌ای بتواند در نقش رهبر منطقه‌ای عمل کند، باید حائز چهار پیش‌شرط ۱- پویایی‌های داخلی در اقتصاد و سیاست؛ ۲- تمایل؛ ۳- ظرفیت پذیرش رهبری منطقه؛ ۴- پذیرش منطقه از سوی همسایگان منطقه‌ای خود به‌همراه پذیرش فرامنطقه‌ای را دارا باشد (Schoeman, 2003: 353). *دانیل فلیمز*^۲ از دیگر محققان موضوع قدرت منطقه‌ای، در تعریف و تمییز قدرت‌های منطقه‌ای از چهار معیار اساسی استفاده می‌کند.

1. Østerud, Øyvind

2. Daniel Flemes

جدول شماره (۱). مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای از دیدگاه فلیمز

شرایط کلی اجزای مهم	شرایط کلی اجزای مهم	
رهبری امنیت و ثبات منطقه رهبری رشد و توسعه اقتصادی منطقه	طرح ادعای رهبری	۱
مادی: نظامی، اقتصادی، فنی، جغرافیایی و... غیرمادی: اصول اخلاقی، ارزش‌ها، هنجارها و...	منابع ضروری قدرت	۲
اجباری (مادی یا غیرمادی) ترغیبی (مادی یا غیرمادی)	ابزارهای سیاست خارجی	۳
دولت‌های منطقه قدرت‌های ذی‌نفوذ فرامنطقه‌ای	پذیرش از سوی دولت‌های ثالث	۴

منبع: (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۶۰).

در پرتو منطقه‌گرایی و اجرای سیاست‌های یادشده در دو دهه گذشته، جهان شاهد ایجاد بلوکی از کشورها با عنوان قدرت‌های نوظهور است که رشد اقتصادی بالایی داشته و به قطب‌های اقتصادی جدیدی در جهان تبدیل شده‌اند که ابتدا در مناطق پیرامونی خود (چین در آسیای جنوب شرقی، هند در جنوب آسیا، روسیه در حوزه همسایگان و اروپای شرقی، برزیل در امریکای لاتین و افریقای جنوبی در قاره افریقا) ایفای نقش کرده‌اند، اما به تدریج خواهان ایفای نقش بیشتر در سطح فرامنطقه‌ای شدند و سپس با ائتلاف با همدیگر در بلوک‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای، گروه ایبسا (هند، برزیل و افریقای جنوبی) بریک (برزیل، روسیه، هند و چین) و در نهایت بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی) از سویی توانمندی‌های خود را به رخ دیگر کشورها از جمله ایالات متحده کشیدند و از سوی دیگر در نقش آلترناتیو نظام بین‌الملل و صدای جنوب مطرح شدند.

ائتلاف بریکس در دو پدیده و عامل اصلی ریشه دارد: پدیده نخست رشد اقتصادی این کشورها به‌ویژه افزایش ذخایر ارزی آنها در سالیان اخیر است که به آنها اجازه بازیگری در مناسبات مالی و پولی بین‌المللی را داده است. پدیده دوم ماهیت دگرگونی و تغییری است که در ذات سیاست بین‌الملل به‌طور عام و در دوران پس از جنگ به‌طور خاص وجود دارد. این تغییر و دگرگونی با نگرش‌های ویژه‌ای در بین بازیگران کنونی و عمده روابط بین‌الملل همراه شده و ترکیب و رقابت با مرزهای مشخص و محدود، برجسته به‌نظر می‌رسد. این قدرت‌ها تلاش

خواهند کرد تا در شرایط عدم تمایل ایالات متحده به مداخلات غیرضروری از امکان شکل دادن به محیط استراتژیک خود بهره بگیرند. از آنجاکه مهم‌ترین نیاز قدرت‌های در حال ظهور، تأمین منابع خام، انرژی و بازارهای خارجی است، مناطقی که دارای بیشترین منابع و بزرگ‌ترین بازارهای تجاری هستند، بیش از سایر مناطق در معرض رقابت‌های جدید خواهند بود. در وجه دیگر از رقابت‌های ژئوپلیتیک، کاهش تسلط ایالات متحده بر مناطق جهانی، بلندپروازی قدرت‌های منطقه‌ای و سایر قدرت‌های بزرگ را در مناطق ویژه‌ای مانند خاورمیانه و آسیای شرقی، افریقا و امریکای لاتین تحریک خواهد کرد. همان‌گونه که گزارش مشهور اقتصاددانان گلدمن ساچ نشان داده است، بخش مهمی از نگرانی‌ها در جامعه امریکا، به رشد سریع اقتصادهای در حال رشد در آسیا بازمی‌گردد. طبق این گزارش، چین در سال ۲۰۲۷، جایگزین اقتصاد امریکا خواهد شد و گروه بریکس تا سال ۲۰۳۲، اقتصادی بزرگ‌تر از گروه هشت خواهند داشت. این گروه از کشورها، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸، ۳۰ درصد در رشد اقتصاد جهانی سهم داشتند در حالی که یک دهه قبل، سهم آنها ۱۶ درصد بود و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ نزدیک به ۵۰ درصد از دارایی‌های بازارهای جهانی، متعلق به این گروه از کشورها خواهد بود.

در جنوب افریقا، افریقای جنوبی پس از آپارتاید توانسته است توانایی و اراده ایجاد و حفظ رژیم منطقه‌ای را به نفع همگان شکل دهد و از سوی دیگر نیز بقیه کشورها، از این کشور خواسته‌اند تا نقش قدرت چیره بی‌خطر را بازی کند (هتنه و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۰۰). با پایان جنگ سرد، فروپاشی نظام آپارتاید و تغییر نوع ایدئولوژی سیاسی، هویت سیاسی افریقای جنوبی و نوع سیاست اعلامی و اعمالی آن نیز دگرگون شد و سیاست‌گذاران به بازتعریف مسائل امنیتی خود پرداختند و با از بین رفتن عوامل اصلی اصطکاک در جنوب افریقا و روی کار آمدن یک حکومت مردمی در افریقای جنوبی به رهبری کنگره ملی افریقا، نگرش جدید همگرایی منطقه‌ای به جای دشمنی‌های پیشین پدید آمد. در رهیافت جدید، پرتوریا مایل بود به‌عنوان کانون همگرایی منطقه‌ای، جنوب افریقا را به‌سوی سعادت و خوشبختی جمعی رهنمون سازد. این کشور پس از آپارتاید به‌عنوان یک قدرت متوسط درصدد

ارائه راه حل بحران‌ها از طریق چندجانبه‌گرایی برآمد تا موقعیت خود را از این طریق تثبیت کند (Cilliers, 1999: 7). به تدریج این ایفای نقش باعث شد تا این کشور که زمانی به عنوان برهم‌زننده امنیت منطقه‌ای تعریف می‌شد، علاوه بر نقش صلح‌سازی و صلح‌بانی منطقه‌ای، در کنار رشد اقتصادی منطقه‌ای، به عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور مطرح شد.

با توجه به نقش قدرت‌های منطقه‌ای و پتانسیل آنان در عرصه‌های مختلف روابط بین‌الملل، این تحقیق درصدد پاسخ به پرسش: «چیستی عوامل مؤثر بر روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آفریقای جنوبی و منافع حاصل از روابط با این قدرت نوظهور» است و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی؛ فرضیه «نیازهای متقابل اقتصادی، سیاسی، هویت نسبتاً همسو نسبت به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، همکاری‌های جنوب - جنوب و... به عنوان عوامل مؤثر در گسترش روابط و بهره‌برداری از موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور برای کاهش فشارهای خارجی و غربی و گسترش همکاری‌های جنوب - جنوب به عنوان نتایج این روابط»، را به آزمون گذاشته است. این تحقیق درصدد است ضمن تبیین وضع موجود، به بررسی فرصت‌های بالقوه در روابط دوجانبه اشاره کند تا در کنار تولید ادبیات مربوط به قاره آفریقا، از این طریق، راهکارهایی را به سیاست‌گذاران در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ارائه دهد تا با عملیاتی کردن آن، جایگاه شایسته آفریقای جنوبی را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و در حال ظهور در روابط خارجی ایران تبیین کرده و با برقراری روابط دوجانبه و متقابل منافع بیشتری نصیب دو کشور شود و در نهایت بخشی از سند چشم‌انداز که در رابطه با قاره آفریقا است، محقق شود.

۱. آفریقای جنوبی و سیاست خارجی ایران

روابط خارجی به بررسی روابط دولت‌ها و توصیف کنش‌های خارجی آنها با یکدیگر، با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای می‌پردازد. وجود روابط خارجی منوط به وجود تعهدها و قراردادهای در زمینه زندگانی صلح‌آمیز، همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... است و بدون چنین تعهدهایی روابط

خارجی معنا ندارد. روابط میان دولت‌ها را می‌توان یک بازی گروهی دانست که بازیگران از آن سود می‌برند و الگوی خاص این روابط همواره تعیین‌کننده قدرت دیپلماتیک طرف مقابل است. روابط خارجی ایران با قاره افریقا، از سابقه تاریخی طولانی برخوردار است؛ این سابقه را می‌توان در زمان هخامنشیان و در مصر ردیابی کرد. موج دوم روابط ایرانیان با افریقا، بیشتر به شرق این قاره و به‌ویژه مهاجرت شیرازی‌ها به این منطقه برمی‌گردد که به‌صورت منظم و منسجم انجام شد و توانستند تاریخ این منطقه را عمیقاً تحت تأثیر خود قرار دهند و به‌تدریج دامنه فعالیت خود را گسترش داده و کیلوا را به مرکز حکومت خود تبدیل کنند و جزیره زنگبار و شهرهای دیگر را نیز گسترش دادند و حکومت‌هایی نیز در کومور و موزامبیک ایجاد کردند. این گروه با ثروت به‌دست‌آمده از تجارت بین مناطق شرق افریقا با دیگر مناطق جهان، به‌تدریج اقدام به ساخت تجهیزات بندری مانند اسکله، ساختمان‌های اداری، انبار و مراکز تجاری کردند. در دوره قاجار نیز روابط ایران با افریقا، از طریق کنسولگری ایران در مصر برقرار بود و در دوره پهلوی و به‌ویژه پس از استقلال کشورهای افریقایی بود که تصمیم گرفته شد تا با ایجاد سفارت‌خانه در بعضی از کشورها روابط خارجی با این قاره برقرار شود. اما این روابط به‌دلیل مسائل ایدئولوژیک و روابط شخصی پهلوی دوم گسترش چندانی نیافت. در این زمان ایران تنها در نه کشور این قاره دارای نمایندگی سیاسی بود که تنها «افریقای جنوبی» به‌دلیل ویژگی‌های خاص خود روابط پررونقی با رژیم پهلوی داشت (بخشی، ۱۳۸۸: ۳۹).

پس از انقلاب، گفتمان انقلابی مبتنی بر صدور انقلاب اسلامی و جهانی‌کردن حکومت اسلامی در کشور حاکم شد. این گفتمان انقلابی - اسلامی حاکمان جدید، باعث گسستی بنیادین در دکترین سیاست خارجی ایران شد. سیاست خارجی ایران در دوره‌ای که هنوز ده سالی با فروپاشی بلوک سوسیالیستی فاصله داشت درصدد ایجاد بدیل سومی در صحنه جهان آن روز بود. از آنجاکه قاره افریقا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌لحاظ دارا بودن سابقه استثمار تاریخی توسط استعمارگران، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود، لذا بسط و گسترش تعاملات سیاسی و همکاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای افریقایی در دستورکار دولتمردان





قرار گرفت. روابط سیاسی ایران با دولت‌های آفریقایی در این دوران، با توجه به فضا و شرایط حاکم بر آن و تأکید بر نفی اتحاد با بلوک شرق و غرب بیشتر جنبه آرمانی داشته و برقراری روابط دیپلماتیک، گسترش روابط و حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش بیشتر در چارچوب روابط عدم تعهد قابل تحلیل است. با گذشت زمان، سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در آفریقا به دو برابر پیش از انقلاب افزایش یافت و تعداد سفارت‌خانه‌های سیاسی آفریقایی مقیم تهران نیز از شش نمایندگی به بیش از بیست نمایندگی افزایش پیدا کرد، اما با وجود گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف با این قاره، هنوز روابط به حد مطلوبی نرسیده است. مبادلات تجاری (صادرات غیرنفتی) کمتر از یک میلیارد دلار بین طرفین، خود نشان از ناکافی بودن روابط دارد. متأسفانه قاره آفریقا در بسیاری از سیاست‌گذاری‌های ما در رده آخر قرار دارد، این درحالی است که براساس قانون اساسی این قاره دارای سه ویژگی از ۴ چهار ویژگی روابط خارجی (به‌جز اصل همسایگی، کشورهای اسلامی، جهان سوم و کشورهایی که به‌نحوی نیازهای طرفین را برطرف کنند) می‌باشد. البته این سخن به معنای آن نیست که نباید به دیگر مناطق جهان توجه شود، بلکه جایگاه واقعی این قاره در سیاست خارجی ایران باید تقویت شود. قاره‌ای که براساس شواهد و گزارش‌های رسمی سازمان‌های بین‌المللی، دارای استعداد بالقوه قابل توجهی برای فعالیت‌های اقتصادی است که برای برخی از کشورها، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، آن‌گونه که ضرورت دارد، شناخته‌شده نیست. وجود ۱۸۷ میلیون هکتار زمین قابل کشت، ۱۵ درصد از جنگل‌های جهان و ۲۵ درصد از مراتع دنیا در این قاره مؤید این نظریه است. این قاره هم از نظر مساحت و هم از نظر جمعیت، دومین قاره بزرگ جهان پس از آسیاست و با جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر، حدود ۱۵ درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده است. این درحالی است که این رقم در سال ۲۰۰۰، ۸۱۹ میلیون نفر بوده و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۵۰ به دو میلیارد نفر برسد (World Population, 2010). این قاره دارای بالاترین بازگشت سرمایه در جهان است که این میزان چهار برابر کشورهای گروه هشت، دو برابر کشورهای قاره آسیا و دو سوم بیشتر از کشورهای امریکای لاتین می‌باشد (African Union, 2004).



افریقا از قرن‌ها پیش به دلیل دارا بودن منابع معدنی غنی و دست‌نخورده مورد توجه اروپایی‌ها بوده است. در سال‌های اخیر این موضوع اهمیت بیشتری پیدا کرده است. قسمت اعظم تولیدات معدنی این قاره به خارج، به‌ویژه اروپا و امریکا صادر می‌شود. عمده‌ترین مواد معدنی افریقا عبارتند از: فلزات و سنگ‌های قیمتی، آلیاژهای آهن، مس و قلع، فسفات و... این قاره ۴۸ درصد الماس و پلاتینیوم، ۴۶ درصد کروم، ۳۵ درصد کبالت، ۲۹ درصد طلا، ۲۵ درصد فسفات، ۲۲ درصد اورانیوم و ۲۳ درصد منگنز جهان را دارا می‌باشد (Turner, 2012: 376). سهم افریقا از نفت جهانی در سال‌های اخیر به ۹/۷ درصد رسیده است (Villiers, 2008: 83-93).

پس از پایان جنگ سرد بر اهمیت ژئواکونومیک این قاره افزوده شد؛ به‌طوری که کشورهای اروپایی، امریکا، چین، کانادا، ژاپن و... به این قاره به‌عنوان یک منبع تمام‌نشدنی می‌نگرند که باید در آنجا سرمایه‌گذاری کرد و دلیل این امر، دارا بودن منابع معدنی بود، به‌گونه‌ای که این قاره از ذخایر معدنی بسیاری برخوردار است که تأمین‌کننده مواد اولیه بسیاری از منابع کشورهای صنعتی است. نقش و جایگاه بین‌المللی و سیاسی این قاره نیز دارای اهمیت فراوانی است. وجود ۵۵ واحد سیاسی و عضویت آنها در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، باعث شده که به بلوک قدرتمندی تبدیل شود که دیگر کشورها نیازمند آن هستند. از سوی دیگر، رهبران و کارگزاران افریقایی در شرایطی که کشورهای خارجی و محیط بین‌الملل به آنها فشارهایی را تحمیل می‌کرد، درصدد چاره‌اندیشی برآمدند. برای مثال رهبران بسیاری از کشورها با طرح‌های خود، درصدد همگرایی منطقه‌ای و توسعه قاره برآمدند که می‌توان از میان این طرح‌ها به دو طرح بزرگ اتحادیه افریقا و طرح مشارکت نوین برای افریقا^۱ اشاره کرد.

در دهه هفتاد میلادی پرتنش‌ترین مسئله جهان پس از بحران فلسطین، مسئله افریقای جنوبی بود. افریقای جنوبی، آخرین حد استعمار رنگین‌پوستان بود و خط قرمز ملت‌های تازه‌مستقل‌شده قاره سیاه با دیگر کشورها برای ایجاد رابطه به‌حساب می‌آمد. اما ایران و افریقای جنوبی به دلیل همسویی سیاست خارجی در گرایش به

غرب و ایفای نقش نیروی حافظ منافع ایالات متحده در شمال و جنوب اقیانوس هند، رابطه نزدیک با رژیم اشغالگر اسرائیل و لزوم برقراری روابط مثلثی بین این کشورها بنا به نظر امریکا و دنیای غرب؛ نیاز افریقایی جنوبی به نفت ایران و علاقه خاص خانواده شاه به افریقایی جنوبی پس از تبعید رضاشاه به دوربان و ژوهانسبورگ از روابط نزدیکی برخوردار بودند. تبعید رضاشاه به این کشور، نقطه عطفی در روابط خارجی دو کشور به وجود آورد. پس از مرگ رضاخان، ساختمانی که وی مدت هیجده ماه در آن زندگی می‌کرد به مبلغ نیم میلیون دلار برابر با ۵ میلیون تومان در سال ۱۳۴۹ از افریقایی جنوبی خریداری شد. این ساختمان دو طبقه و با وسعت ۱۲ هزار متر با ۱۵ اتاق به موزه تبدیل شد و اشرف خواهر شاه نیز ساختمان دیگری را به عنوان محل اقامت خود خریداری کرد. پس از آن، روابط جنبه رسمی به خود گرفت (بخشی و قربان اوغلی، ۱۳۸۷: ۱۱).

مستولان دو کشور طی توافقی در بیستم آبان ۱۳۴۹، نسبت به برقراری رابطه اقدام و سرکنسولگری‌های خود را در پایتخت‌های دو کشور افتتاح کردند و به دنبال آن، مقامات دو کشور برای برقراری تماس‌های رسمی و بسط و توسعه مناسبات خود در زمینه‌های مختلف، عازم پایتخت‌های یکدیگر شدند. وزارت خارجه ایران در جزوه روابط خارجی ایران در سال ۱۳۴۹ دلایلی برای این کار برشمرده است:

۱. حضور رضاشاه پهلوی در چند سال آخر عمر خود در ژوهانسبورگ و تقاضای مصرانه افکار عمومی ایران برای خرید منزل وی و حفظ و صیانت آن؛ ۲. روابط بازرگانی و وجود اتباع ایرانی در افریقایی جنوبی (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰: ۱۴۳).

روابط ایران و افریقایی جنوبی پیش از انقلاب در سطح بالایی قرار داشت، به گونه‌ای که ایران در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۵ به دومین شریک تجاری این کشور پس از اسرائیل تبدیل شد (شریفی ساداتی، ۱۳۸۴: ۲۳۸). فعالیت‌های اقتصادی دو کشور در زمینه اقتصادی عمدتاً پیش از انقلاب منحصر به فعالیت‌های نفتی بود. در زمینه مسائل نفتی قراردادهای پالایشگاه ساسولبرگ (ناتروف) و قرارداد فروش نفت به صورت طولانی مدت از اهمیت بیشتری نسبت به دیگر توافقات برخوردار بود که به موجب این قرارداد، پالایشگاه ناتروف در ۴۰ کیلومتری ژوهانسبورگ با مشارکت

شرکت ملی نفت ایران، شرکت نفت توتال فرانسه و شرکت ساسول افریقای جنوبی به ظرفیت ۵۰ هزار بشکه در روز تأسیس و در اواخر ۱۳۴۹ (فوریه ۱۹۷۱) مورد بهره‌برداری قرار گرفت. میزان مشارکت پالایشگاه مذکور به صورت زیر بوده است:

شرکت ساسول افریقای جنوبی: ۵۲/۵ درصد، شرکت توتال فرانسه ۳۰ درصد و شرکت ملی نفت ایران: ۱۷/۵ درصد. پس از انقلاب، ایران درصدد فروش سهام خود برآمد، اما پس از مدتی اعلام کرد که نتوانسته است سهام را به دلیل مخالفت ساسول بفروشد. پیش از انقلاب فروش نفت ایران به افریقای جنوبی به رغم قطعنامه سازمان ملل، باعث انزوای ایران در کشورهای خط مقدم و کشورهای اسلامی این قاره شد. با وجود تحریم‌های اجباری سازمان ملل، ایران تا زمان سقوط شاه به صادرات نفت ادامه داد، به طوری که پس از تحریم اوپک در سال ۱۹۷۳ تا زمان سقوط شاه ایران، بیش از ۹۰ درصد از واردات نفت افریقای جنوبی توسط ایران سازماندهی می‌شد و در عوض از افریقای جنوبی سنگ آهن، استیل، سیمان، ذرت، شکر و دیگر محصولات کشاورزی وارد می‌شد. در قرارداد دیگری شرکت ملی نفت ایران متعهد شد تا برای مدت ۱۵ سال ۷۰ درصد از نفت مورد نیاز پالایشگاه ناتروف، برابر با ۲۵/۰۳۵/۰۰۰ تن متریک نفت خام را تأمین کند و در برابر نفتی که به افریقای جنوبی صادر می‌شد، اورانیوم و فولاد وارد کشور می‌شد (چمنکار، ۱۳۷۳: ۱۲۸). همان‌گونه که ذکر شد، موفقیت ژاندارمی ایران به نیابت از غرب در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس و همچنین ایفای نقش افریقای جنوبی به عنوان یک وکیل از سوی غرب برای مبارزه با گسترش نفوذ فعالیت‌های کمونیستی، همگرایی دو کشور را برای جلوگیری از گسترش حوزه نفوذ اتحاد جماهیر شوروی و نظام کمونیستی در مناطق مربوطه و نیاز رژیم آپارتاید به نفت ایران - مورد تحریم سازمان ملل قرار داشت - دلیل گسترش روابط این دو کشور بود. پس از انقلاب و تحریم ایران، عراق، عربستان و قطر به مهم‌ترین تأمین‌کنندگان نفت افریقای جنوبی تبدیل شدند. این درحالی است که ایران در سال ۱۹۷۵-۱۹۷۴، ۷۸ درصد، در سال ۱۹۷۷، ۹۰ درصد و در سال ۱۹۷۸، ۹۸ درصد نفت افریقای جنوبی را تأمین کرد.

(Gurdon, etal, 1994: 29)

در راستای همکاری‌های سیاسی، ایران با همکاری پاکستان و افریقای جنوبی

درصدد ایجاد پیمان دفاعی مشترک در حوزه اقیانوس هند بر آمد (تقی عامری و تقی‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۸۷) و همچنین محمدرضا شاه پیشنهاد تشکیل جامعه مشترک‌المنافع کشورهای غیرکمونیس‌ت حاشیه اقیانوس هند را مطرح کرد. این حرکت با تغییرات داخلی در سال ۱۹۷۶-۱۹۷۵ افریقای جنوبی و انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ جنبه عملی به خود نگرفت (Barber & Barrett, 1990: 118). پیش از انقلاب ایران همچنین قرارداد خرید ۱۵ درصد از سهام شرکت راسینگ که سازمان انرژی اتمی این قرارداد را به مبلغ ۴ میلیون دلار امضا کرد و در حال حاضر شرکت سرمایه‌گذاری خارجی ایران وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی سهامدار این شرکت می‌باشد (شریفی ساداتی، ۱۳۸۴: ۲۴۵).

قطع رابطه با افریقای جنوبی در اندیشه انقلابیون حتی پیش از پیروزی انقلاب بود؛ برای مثال امام خمینی در نوفل‌لوشاتو در مورد فروش نفت به افریقای جنوبی و اسرائیل اعلام می‌کنند که ما حاضر به فروش نفت به کشور نژادپرست و جنایتکار و دشمنان بشریت و انسانیت نیستیم (مجموعه آثار، ۱۳۷۲: ۱۴۰ و ۳۴۰) و یا «افریقای جنوبی تا به این وضعی که دارد خاتمه ندهد ما با او رابطه‌ای نمی‌توانیم برقرار کنیم و نفت هم به او نخواهیم داد» (همان: ۳۷۸). تمام دولتمردان ایران دو کشور اسرائیل و رژیم آپارتاید را جزو استثنائات در سیاست خارجی تلقی می‌کردند. پس از انقلاب، براساس ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات: «هر گونه مبادلات بازرگانی با کشورهای افریقای جنوبی و رژیم اشغالگر قدس به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ممنوع» شد. دولت جمهوری اسلامی ایران، براساس ایدئولوژی اسلامی، اصل جهان‌سوم‌گرایی و حمایت از جنبش‌های آزادیبخش، به دستور حضرت امام (ره) به نفع مردم سیاه‌پوست افریقای جنوبی به روابط خود در کلیه زمینه‌ها با افریقای جنوبی پایان داد و از صدور نفت خود به افریقای جنوبی جلوگیری کرد. در پی قطع روابط، دولت سوئیس به‌عنوان حافظ منافع دو کشور تعیین شد و دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در ژوهانسبورگ زیر نظر نمایندگی سوئیس در افریقای جنوبی مشغول به کار شد. در پی سیاست جدید دولت ایران، نمایندگان شرکت ملی نفت ایران نیز از شرکت در جلسات مختلف در پالایشگاه ناتروف خودداری کردند و موضوع سهام ایران در



شرکت ساسول معوق ماند، اما از سال ۱۹۸۶ به بعد چون قرارداد ۱۵ ساله واگذاری حق تصفیه پایان یافته بود، هزینه‌های پالایشگاه را به نسبت سهام به حساب شرکت ملی نفت ایران منظور کرده و با احتساب سود سهام معوقه شرکت ملی نفت ایران را بدهکار اعلام کردند که این بدهی در هر ماه رو به افزایش بود. به همین دلیل وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران پس از انجام بررسی‌های لازم تصمیم گرفت که سهام پالایشگاه افریقای جنوبی را با قیمتی مناسب به فروش برساند.

مهم‌ترین فعالیت‌های ایران در دوران تعلیق روابط عبارت بود از: ۱. شرکت فعال در تحریم‌های بین‌المللی علیه رژیم آپارتاید؛ ۲. برقراری رابطه با گروه‌های مبارز و آزادی‌بخش مانند کنگره ملی افریقا^۱ و کنگره پان افریقا^۲ و حمایت مالی و سیاسی و فرهنگی از آنها در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ ۳. شرکت فعال وزارت امور خارجه در اجلاس‌ها و سمینارهای بین‌المللی در رابطه با محکومیت رژیم آپارتاید؛ ۴. حمایت از کشورهای خط مقدم؛ ۵. صدور بیانیه از سوی وزارت امور خارجه در مورد مسائل افریقای جنوبی؛ ۶. حمایت سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در همه کشورها به ویژه افریقا از گروه‌های آزادی‌بخش افریقای جنوبی؛ ۷. انعکاس گسترده اخبار و تحولات افریقای جنوبی در رسانه‌های داخلی و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران؛ ۸. سفر مک و تو، رهبر کنگره پان افریقا به تهران در سال ۱۳۶۹ و سفر نلسون ماندلا، رهبر کنگره ملی افریقا و رئیس‌جمهوری وقت افریقای جنوبی به تهران در سال ۱۳۷۱؛ ۹. افزایش تماس بین ایران و تجار مسلمان افریقای جنوبی پس از روی کار آمدن دکلرک، رئیس‌جمهور پیشین افریقای جنوبی در سال ۱۹۸۹ و ایجاد تغییرات تدریجی در راستای لغو آپارتاید و آزادی نلسون ماندلا در فوریه ۱۹۹۰.

جمهوری اسلامی ایران در راستای حمایت از مبارزات ضد آپارتایدی مردم جنوب افریقا، نمایندگی افریقای جنوبی را در تهران، تعطیل و در مقابل، دفتر جنبش آزادی‌بخش سواپو^۳ که برای استقلال نامیبیا مبارزه می‌کرد، در تهران افتتاح شد.

1. African National Congress (ANC)

2. Pan Africanist Congress (PAC)

3. The South West Africa People's Organization (SWAPO)

فروش نفت به افریقای جنوبی قطع و نمایندگی دیپلماتیک ایران در کشورهای خط مقدم یکی پس از دیگری تأسیس شد. اوج حمایت دولت ایران از کشورهای خط مقدم، شرکت رئیس‌جمهور وقت ایران (آیت‌الله خامنه‌ای) در اجلاس جنبش عدم تعهد در زیمبابوه و تأکید بر اولویت مسائل جنوب افریقا در این اجلاس بود.

با پایان جنگ سرد، پایان سیستم آپارتاید و تغییر نوع ایدئولوژی سیاسی، هویت سیاسی کشور افریقای جنوبی و نوع سیاست اعلامی و اعمالی افریقای جنوبی نیز دگرگون شد و سیاست‌گذاران به بازتعریف مسائل امنیتی خود پرداختند. با از بین رفتن عوامل اصلی اصطکاک در جنوب افریقا و روی کار آمدن یک حکومت مردمی در افریقای جنوبی به رهبری کنگره ملی افریقا، نگرش جدیدی با عنوان همگرایی منطقه‌ای به جای دشمنی‌های پیشین پدید آمد. در رهیافت جدید، پرتوریا مایل بود به‌عنوان کانون همگرایی منطقه‌ای، جنوب افریقا را به‌سوی سعادت و خوشبختی جمعی رهنمون سازد. این کشور پس از آپارتاید به‌عنوان یک قدرت متوسط در صدد ارائه راه‌حل بحران‌ها از طریق چندجانبه‌گرایی برآمد تا موقعیت خود را از این طریق بهبود بخشد (7: Cilliers, 1999). در دوره پس از جنگ سرد، به‌دنبال تغییر در محیط جهانی، محیط سیاسی افریقای جنوبی نیز تغییر کرد. دیگر نه‌تنها سیاست خارجی، بر پایه سیاست‌های جنگ سرد قرار نداشت، بلکه در جهت دموکراسی، حقوق بشر و حرکت به‌سمت حکومت مطلوب به پیش می‌رفت، که این عوامل مقدمات صلح و ثبات، رشد اقتصادی و توسعه پایدار را در منطقه فراهم کرد. در این راستا تغییراتی اساسی در سیاست خارجی و امنیتی افریقای جنوبی به‌وجود آمد.

پس از آپارتاید، سیاست حمایت از حقوق بشر سرلوحه سیاست خارجی افریقای جنوبی قرار گرفت. با تغییر ایدئولوژی حاکم بر سیاست خارجی و ایجاد فضای جدید در این کشور و با توجه به روی کار آمدن کارگزاران جدید، سیاست جهان‌گرایی در اولویت قرار گرفت و ضمن برقراری روابط با تمامی کشورها، سیاست «اضافه کردن» را در دستور کار دیپلماسی خود قرار داد و با توجه به هویت ابرازی خود در نظام بین‌الملل، کشورهای همسایه و نظام بین‌الملل، خواستار ایفای نقش بیشتر این کشور در معادلات جهانی شد. این کشور که زمانی عامل ناامنی در

منطقه بود به عامل امنیت و برقراری صلح در منطقه تبدیل شد و در فعالیت صلح‌بانی شرکت کرد و فعالیت‌های خود را از امنیت به سمت توسعه تغییر داد. نوع ایدئولوژی سیاسی و هویت ناشی از آن نگرش کشورهای همسایه و نظام بین‌الملل را نسبت به افریقای جنوبی عوض کرد به طوری که کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل خواستار ایفای نقش بیشتری از سوی افریقای جنوبی شدند. اما پس از مدتی ایده ژئوپلیتیک جنگ کاهش یافت و جای خود را به ژئوپلیتیک صلح، همگرایی با سیاست جهان، مذاکرات در داخل و همچنین دخالت شهروندان در سیاست خارجی داد و بافتار امنیت منطقه‌ای به شدت از ساختار منازعه به رژیم امنیتی تغییر یافت. دیگر ساختارهایی مانند کشورهای خط مقدم و کنفرانس همکاری منطقه‌ای و حتی سازمان وحدت افریقا فلسفه وجودی خود را از دست دادند. در نتیجه با شرایط جدید این سازه‌ها، یا می‌بایست به فراموشی سپرده شوند و یا اینکه برای آن کارویژه جدیدی تعریف شود. با هویت جدید، کشورهای همسایه و نظام بین‌الملل خواستار ایفای نقش این کشور در منطقه و جهان شدند. با توجه به این نوع تغییر، افریقای جنوبی به عضویت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در آمد و توانست اولویت امنیت‌محور را به سیاست توسعه‌محور تغییر دهد (سریع‌القلم و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۵).

ایران از نخستین کشورهایی است که روابط خود را با افریقای جنوبی پس از فروپاشی آپارتاید در سال ۱۹۹۴ شروع کرد. به دنبال تحولات مثبت در افریقای جنوبی و درخواست ماندلا در تاریخ ۱۳۷۲/۹/۱۸ مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه‌ای که به تصویب رسید کلیه تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی، تجاری و نفتی علیه این کشور را لغو کرد. به دنبال این واقعه، ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی طبق پیشنهاد شماره ۱/۸۰۲۴-۱/۱۱۰-۱۱۰ مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۱۳ تصویب کرد که وزارت امور خارجه نسبت به برقراری روابط دولت جمهوری اسلامی ایران با کشور افریقای جنوبی و لغو تحریم‌ها علیه آن کشور اقدام کند. هیئت دولت در جلسه ۱۳۷۲/۱۰/۱۵ آن را تصویب کرد و هیئت وزیران نیز در تصویب‌نامه شماره ۲۹۷/۵۵۷۰۲ به تاریخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۸ مقرر داشت: «وزارت امور خارجه نسبت به برقراری روابط دولت جمهوری اسلامی ایران با کشور افریقای جنوبی و لغو

تحریم‌های برقرارشده علیه آن کشور اقدام نماید». پیرو این اقدام منع قانونی مندرج در قانون واردات و صادرات در فروردین ۱۳۷۳ برداشته شد. همچنین ایران در قبال طرح سازمان ملل، ۴ دیپلمات را به‌عنوان ناظر در انتخابات سال ۱۹۹۴ به آن کشور اعزام کرد و نیز همچنین قائم‌مقام وزیر امور خارجه در مراسم تحلیف و شروع به کار ریاست‌جمهوری ماندلا شرکت کرد (پاک‌آیین، ۱۳۷۷: ۱۰۴).

چند روز پس از آن با اعزام هیئتی از شرکت ملی نفت، توانست روابط اقتصادی دو کشور را بر پایه مبادلات نفتی برقرار کند. در دوره ۱۹۹۴-۱۹۹۶ ایران تأمین‌کننده حدود ۷۰ درصد از نفت مورد نیاز این کشور بود. ایران و آفریقای جنوبی به دلیل قدرت منطقه‌ای در مناطق پیرامون خود و تمایلات دو کشور در سطح بین‌المللی، شاهد گسترش روابط در سطوح متفاوت بوده‌اند. به‌عنوان مثال در این دوره همایش‌ها و کنفرانس‌هایی مانند کنفرانس جهانی ضدنژادپرستی و اجلاس جهانی توسعه پایدار که جزو علایق دوجانبه است، برگزار شد. در مرداد ۱۳۷۴ وزیر امور خارجه دیداری از آفریقای جنوبی داشت و در این دیدار نلسون ماندلا اعلام کرد که کشورش به روابط با جمهوری اسلامی ایران بها می‌دهد، زیرا این کشور زمانی به ما کمک کرد که ما در شرایط نامساعد و تنها بودیم. در این سفر قرارداد تشکیل کمیسیون مشترک بین دو کشور به امضاء رسید. در این دیدار طرفین در مورد امضای قرارداد برای ذخیره‌سازی ۱۵ میلیون بشکه نفت در خلیج سالدهانا^۱ به مبلغ ۱۳/۷ میلیون دلار در سال به توافق رسیدند (دامن پاک جامی، ۱۳۸۵: ۹۲)؛ که این بدین معنا است که آفریقای جنوبی این اطمینان را حاصل کرد که ذخیره نفت نفت استراتژیک خود را از ۴ ماه به ۲ ماه کاهش دهد. از دیدگاه ایران، ذخیره نفت در خلیج سالدهانا، مهم‌ترین عامل برای تضمین در هر نوع اختلال در صادرات نفت این کشور در بحران‌های خلیج فارس بود که در آنجا بالغ بر ۱۵ میلیون بشکه نفت ذخیره کنند و این در مقابل باعث می‌شد تا آفریقای جنوبی ذخیره‌سازی خود را کاهش دهد و این امر سود سالانه ۷۵۰ میلیون راندی برای این کشور داشت (Brodreick, 2001: 175).





۲. روابط ایران و آفریقای جنوبی پس از آپارتاید

رابطه میان دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آفریقای جنوبی پس از آپارتاید از جنبه‌های زیر دارای اهمیت است: نیاز استراتژیک؛ نیاز به خرید نفت از ایران؛ آمادگی شرکت‌های آفریقای جنوبی برای سرمایه‌گذاری در ایران (ساسول، ام.تی.ان ایرانسسل^۱)؛ حضور بیش از یک میلیون مسلمان در آفریقای جنوبی؛ دیدگاه‌های سیاسی مشترک دو کشور در مورد تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله در مورد مسئله فلسطین، حقوق بشر، افزایش سهم شورای امنیت، حق وتو و انرژی هسته‌ای؛ عضو فعال جنبش عدم تعهد؛ همکاری جنوب - جنوب؛ همکاری در اتحادیه کشورهای حاشیه اقیانوس هند.

از زمان تجدید رابطه با آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۴، ایران جزو نخستین کشورهایی بود که روابط خود را با تشکیل کمیسیون مشترک در سال ۱۹۹۵ بنیان نهاد و تاکنون ۱۱ کمیسیون مشترک بین دو کشور در فواصل بین ۱ تا ۲ سال تشکیل شده که دهمین دوره آن در سال ۱۳۸۷ برگزار شد و متأسفانه یازدهمین کمیسیون مشترک با تأخیر در آبان‌ماه ۱۳۹۲ در پرتوریا برگزار شد (سفارت آفریقای جنوبی، ۱۳۹۲، Ebrahim, 2013). آفریقای جنوبی به‌خاطر برقراری روابط با ایران نارضایتی دولت آمریکا را برانگیخت، اما این امر هرگز باعث نشد تا به نفع و خواست آمریکا به دشمنی با ایران پردازد و با وجود همه مخالفت‌های دولت آمریکا، رهبران این کشور اعلام کردند که مشکلات آمریکا، مشکلات آنها نیست و آنها می‌کوشند تا دوستان خویش را براساس منافع ملی خود انتخاب کنند. آفریقای جنوبی با برقراری روابط با کشورهایی که در دهه ۱۹۸۰ به این جنبش (کنگره ملی آفریقا) کمک کردند، مانند کوبا و ایران خشم ایالات متحده را برانگیخت زیرا این کشورها از نظر ایالات متحده مطرود و حامی تروریست بودند (Broderick, 2001: 88 & 152). بعضی از متخصصان معتقدند آفریقای جنوبی مجبور است این کار را انجام دهد زیرا کنگره ملی آفریقا در طول مبارزاتش از کمک‌های این کشورها برخوردار بود (Spence, 1998: 167). روابط ایران و آفریقای جنوبی فارغ از مشکل ایران و آمریکا

1. MTN Irancell

در سطح خوبی بوده است. ایران در زمان آپارتاید از حزب کنگره ملی و حزب کمونیست آفریقای جنوبی حمایت کرد و در نتیجه زمانی که ماندلا به قدرت رسید اعلام کرد: ما نباید محدودیتی در روابط با دوستانمان که در روزهای تاریک تاریخ این کشور به ما کمک کرده‌اند داشته باشیم. امروز دو کشور از روابط سیاسی بسیار خوبی برخوردارند و همکاری دوجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی آنها نمونه‌ای از روابط دوستی و برادری و همدلی تعریف می‌شود. در زمینه اقتصادی و تجاری نیز گام‌های بلندی برداشته شده است. روابط اقتصادی دو طرف در سال ۲۰۰۶ به ۱۹ میلیارد راند رسید که نسبت به سال قبل ۲۷ درصد افزایش داشته است.

پس از برقراری روابط دوباره، آفریقای جنوبی بیش از ۵۰ درصد از نفت مصرفی وارداتی خود را از ایران تأمین می‌کرد، اما این رقم بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ به متوسط ۳۳/۷ درصد کاهش یافت و در عوض واردات از عربستان در این دوره زمانی از ۱۰ درصد به ۴۶ درصد در سال ۲۰۰۳ و ۳۶ درصد در سال ۲۰۰۶ و واردات از نیجریه از رقم ۵ درصد به ۱۷ درصد افزایش یافت (Nkomo, 2009:20). این کاهش به علت تصمیمات این کشور برای متنوع‌سازی واردات نفت از کشورهای مختلف و عدم اتکا به یک کشور رخ داد، به گونه‌ای که از سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶)، دولت آفریقای جنوبی با طراحی «اقتصاد بازار» در راستای تنوع‌بخشی به منابع تأمین نفت به منظور کاهش اتکا به نفت ایران، خرید نفت ارزان (با شرایط خاص)، معاملات پایاپای با کشورهای صاحب نفت و حفظ نوعی توازن در واردات نفت و صدور کالا و خدمات خود به کشورهای تأمین‌کننده نفت گام برداشت. آفریقای جنوبی در راستای این سیاست‌ها، از سال ۱۹۹۷ به‌طور چشمگیری میزان واردات نفت از ایران را کاهش داده است. البته دلایل دیگری نیز در کنار این امر وجود داشته که به این مسئله کمک کرده است. در این میان می‌توان به دلایلی مانند اولویت فروش نفت ایران به کشورهای حوزه آسیا، عدم توجه شرکت ملی نفت ایران به حفظ بازار مطمئن آفریقای جنوبی و عدم انعطاف در سیاست‌های بانکی و پولی اشاره کرد.

شرکت‌های فعال آفریقای جنوبی در ایران عبارتند از: ام.تی.ان، ساسول، پتروسا، میتک، بیتن، استاندارد بانک، شرکت صادراتی کلین کارو، الجابر گریناگر،



اینتلکام و شرکت مهندسی گلوبال ریل وی. در مقابل شرکت چینی مقصود با فرمانداری کیپ شرقی برنامه‌ای برای احداث کارخانه‌ای با ارزش ۱۰۰ میلیون دلار در دست تأسیس دارند. همچنین حدود ۶۸ شرکت ایرانی با افریقای جنوبی مبادلات تجاری دارند (8th bilateral Commission, 2004). ایران و افریقای جنوبی پس از برقراری روابط حدود ۸۰ موافقت‌نامه در مورد موضوعات تجاری، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی، همکاری‌های بهداشتی و درمانی، مسکن و زنان و امور امنیتی امضا کرده‌اند. همکاری‌های سرمایه‌گذاری افریقای جنوبی با ارزش ۸۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ توسط شرکت نفتی ساسول در پروژه شماره نه الفین مهم‌ترین سرمایه‌گذاری افریقای جنوبی در ایران و اعزام پزشک ایرانی به افریقای جنوبی برای پزشکی در مناطق روستایی این کشور در لیمپوپو، ام پیومالانگا و استان شمال غربی از دیگر موارد همکاری‌های دوجانبه است. لازم به ذکر است که این کار پیش‌تر توسط پزشکان کوبایی و انگلیسی در این کشور سابقه دارد. ایران مدتی قبل یک گروه ۲۸ نفره از پزشکان عمومی خود را برای کار در مناطق روستایی افریقای جنوبی به این کشور فرستاد. این پزشکان در قالب قراردادهای سه‌ساله توسط وزارت بهداشت و درمان افریقای جنوبی به کار گرفته شده‌اند.

آمارهای رسمی حاکی از آن است که تا سال ۲۰۱۱، افریقای جنوبی حدود ۲۵ درصد از نفت خام وارداتی خود را از طریق ایران تأمین کرده است؛ به‌گونه‌ای که در این سال، این کشور با واردات روزانه حدود ۹۸ هزار بشکه نفت خام از ایران پس از کشورهای هم‌چون چین، هند، ژاپن، کره جنوبی، ترکیه، ایتالیا، اسپانیا و یونان، نهمین مشتری بزرگ خریدار نفت ایران بوده است؛ در واقع براساس گزارش سالانه افریقای جنوبی، در این مدت، نیمی از نفت وارداتی این کشور از کشورهای عربستان و ایران تأمین شده است (Annul Report, 2012: 57). اما به تدریج و با افزایش تحریم‌های ایران، این رقم به روزانه ۸۰ هزار بشکه نفت خام و معادل ۱۴ درصد از کل واردات نفت کاهش یافت؛ به‌گونه‌ای که در ۲۰۱۲، این کشور اعلام کرد که «اگرچه با تحریم نفتی ایران موافق نیست»، اما واردات نفت خود از ایران را متوقف کرده است (ویکی پدیا، ۱۳۹۳). این در حالی است که شرکت‌های افریقای جنوبی، از جمله ام.تی.ان، پیش‌تر برای انتقال دارایی‌هایشان از ایران با مشکل روبه‌رو شده

بودند، به طوری که وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی در دیدار با مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ضمن انتقاد از تحریم نفت ایران گفت: «این امکان وجود ندارد که یک روز از خواب بیدار شویم و بگوییم ما دیگر از ایران نفت وارد نخواهیم کرد» (اعتراض آفریقای جنوبی به تحریم، ۱۳۹۱).

با وجود تحریم‌ها، در سال ۲۰۱۲، ۷۰ درصد نفت صادراتی ایران (شامل ۹۱۰ هزار بشکه در روز) به ۳ کشور عضو بریکس یعنی چین، هند و آفریقای جنوبی صادر شده است (جام جم، ۱۳۹۱: ۴). حجم مبادلات تجاری (صادرات غیرنفتی) بین دو کشور نیز به رغم پتانسیل‌های زیاد، حدود ۱۰۰ میلیون دلار است که این رقم، معادل سال ۲۰۰۵ است. نکته مهم این است که تراز تجاری غیرنفتی که در سال‌های قبل به ضرر ایران بوده است، در سال ۲۰۱۲ با ۴۲ میلیون دلار به نفع جمهوری اسلامی ایران است (جدول شماره).

جدول شماره (۲). مبادلات تجاری (غیرنفتی) جمهوری اسلامی ایران و آفریقای جنوبی طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۴

(میلیون دلار)

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
صادرات	۱۸/۱	۱۷	۱۸/۱	۱۷	۳۸/۱	۶۰	۳۳	۷۳
واردات	۸۶/۸	۱۲۷	۸۶/۸	۱۲۷	۸۴/۱	۷۹	۵۱	۳۱
تراز تجاری	-۶۸/۷	-۱۱۰	-۶۸/۷	-۱۱۰	-۴۶	-۱۹	-۱۹	۴۲
حجم مبادلات	۱۰۴/۹	۱۴۴	۱۰۴/۹	۱۴۴	۱۲۲-۲	۱۳۹	۸۴	۱۰۴

منبع: (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۹۲ و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران، ۱۳۹۳).

۳. ظرفیت سنجی روابط

در روابط ایران و آفریقای جنوبی، این کشور به دلایلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت برخوردار است. سیاست خارجی فعال در حوزه پیرامونی، قاره آفریقا و حتی نظام بین‌الملل به این کشور اهمیت مضاعف بخشیده و هویت این کشور را در کمتر از دو دهه از یک کشور یاغی با ژئوپلیتیک جنگ به کشوری صلح‌طلب و توسعه‌گرا با ژئوپلیتیک صلح تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که امروزه نقش اساسی را در عرصه بین‌الملل ایفا می‌کند، و با این مؤلفه‌ها، امروزه به‌عنوان قدرت منطقه‌ای در قاره آفریقا و قدرت در حال ظهور در سطح نظام بین‌الملل شناخته می‌شود. همکاری دوجانبه ایران و آفریقای جنوبی همانند روابط

با چین، روسیه، برزیل و هند به‌عنوان دیگر قدرت‌های نوظهور علاوه بر منافع متقابل برای طرفین، برای جمهوری اسلامی ایران که با مسائل بین‌المللی مانند بحران هسته‌ای، اعمال تحریم‌ها و نگاه متفاوت به ساختار هژمونیک بین‌المللی روبه‌رو است، مزیت‌هایی دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود: ایران می‌تواند با توجه به وابستگی افریقای جنوبی به نفت، نقش مهمی در روابط خارجی با این کشور، اتخاذ کند، زیرا در حالت عادی ایران بین ۲۵ تا ۴۰ درصد از نفت وارداتی افریقای جنوبی را تأمین کرده است. شرکت ساسول به‌شدت وابسته به نفت ایران است، و حدود ۲۰ درصد از نفت خام خود را که در حدود ۱۲۰ هزار بشکه در روز می‌باشد، برای مصرف پالایشگاه ناتروف از ایران تأمین می‌کند؛ حمایت از ایران در آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در گروه جنبش عدم تعهد (با محوریت سه کشور افریقای جنوبی، مالزی و کوبا)؛ به‌طوری که بارها مقامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از افریقای جنوبی به‌سبب میانجی‌گری و همکاری قدردانی کرده‌اند؛ افریقای جنوبی در زمان عضویت در شورای امنیت سازمان ملل، به نسبت رژیم صهیونیستی، کمتر از ایران انتقاد کرده است. ایران از حامیان کنگره ملی افریقا در زمان آپارتاید است و این کشور به‌همراه ترکیه، برزیل و لبنان، به قطعنامه ۱۹۲۹ سازمان ملل (در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰) رأی ممتنع داده است. جمعیت ۱/۵ تا ۱/۷ درصدی مسلمانان تأثیر زیادی بر شکل‌گیری روابط با ایران داشته و دارد (Bishku, 2010: 10)؛ کارشناسان معتقدند اگرچه در دوره امبکی سیاست خارجی افریقای جنوبی نسبت به ایران خوب بود، اما در دوره زوما، روابط با ایران بیشتر بعد عمل‌گرا به خود گرفت، اما طبق گفته مقامات افریقای جنوبی، این کشور هیچ وقت موضع خشن نسبت به ایران اتخاذ نکرده است (Bishku, 2010: 10)؛ تجارت افریقای جنوبی در سال‌های اخیر با ایران گسترش یافته است. برای مثال شرکت مخابراتی ام.تی.ان، بیش از ۱۰ درصد از درآمد خود را از حضور در ایران کسب می‌کند، درحالی‌که در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای افریقایی حضور دارد و درصد کمتری نسبت به ایران نصیبش می‌شود؛ به‌نظر می‌رسد که افریقای جنوبی به‌لحاظ دارا بودن توانایی‌های اقتصادی و امکانات فراوان، موقعیت خاص جغرافیایی و عضویتش در سازمان تجارت جهانی می‌تواند دروازه خوبی برای ورود کالاهای ایران به بازار جنوب افریقا باشد. انتقال

خطوط تولید برخی از مصنوعات ایران که در کشورهای همسایه آفریقای جنوبی خریدار مناسبی دارد، مسئله هزینه نقل و انتقال و زمان ارسال کالا به جنوب آفریقا را نیز حل می‌کند. از دیگر سو، موقعیت ویژه جغرافیایی ایران در حاشیه خلیج فارس و همسایگی با جمهوری‌های تازه‌استقلال‌یافته آسیای میانه، زمینه عبور تولیدات آفریقای جنوبی از طریق ایران به بازارهای مذکور را فراهم می‌کند؛ دو کشور با توجه به درک مشترک نسبت به بسیاری از موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی و شناخت بین‌الذهانی در قالب منطقه‌گرایی شناختاری می‌توانند با همدیگر فعالیت کنند و به منطقه‌گرایی اقتصادی و سیاسی در قالب جامعه کشورهای حاشیه اقیانوس هند، همکاری‌های جنوب - جنوب و عدم تعهد، کمک کنند. پتانسیل‌های روابط دوجانبه علاوه بر موارد یادشده در تأمین نیازهای استراتژیک متقابل مانند نفت، مواد غذایی، سرمایه‌گذاری متقابل، دیدگاه‌های مشترک سیاسی و بین‌المللی، حمایت در آژانس‌های بین‌المللی، فعالیت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، جمعیت مسلمان و... نیز قابل گسترش است؛ آفریقای جنوبی به همراه دیگر اقتصادهای ملی در حال ظهور (بریکس)^۱، تاکنون ثابت کرده است که نگاه انتقادی نسبت به وضعیت موجود نظام بین‌الملل دارد و اعتراضات خود را در مورد موضوعاتی مانند اعراب و اسرائیل، حقوق بشر، مداخلات در دیگر کشورها، تحریم‌های اعمال‌شده از سوی غرب و... بارها اعلام کرده است. این نگاه می‌تواند در راستای منافع ایران و همکاری‌های بیشتر دو و چندجانبه تعریف شود. حال با توجه به مطالب ذکرشده، می‌توان با استفاده از مدل سوات^۲، به بررسی روابط خارجی ایران و آفریقای جنوبی پرداخت و راهکارهایی را در این مورد بیان کرد.



1. Emerging National Economies (BRICS: Brazil, Russia, India, China and South Africa)
2. SWOT Matrix (Strengths, Weaknesses, Opportunities, and Threats)

جدول شماره (۳). نقاط قوت، فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردهای پیشنهادی برای توسعه صادرات ایران به

افریقای جنوبی

<p>وجود روابط بلندمدت سیاسی و اقتصادی دوستانه میان ایران و افریقای جنوبی تبدیل افریقای جنوبی به قدرت منطقه‌ای و درحال ظهور امضای موافقت‌نامه بازرگانی، گمرکی و ترانزیتی میان دو کشور وجود بازار مناسب برای محصولات صنعتی و کشاورزی ایران رشد اقتصادی مثبت افریقای جنوبی و گسترش همگرایی منطقه‌ای و قاره‌ای آگاهی کارگزاران برای حل مشکلات مبتلابه قاره و چاره‌اندیشی برای آن</p>	<p>فرصت‌ها</p>
<p>دوری مسافت، نبود موافقت‌نامه تجارت آزاد و تجارت ترجیحی بین دو کشور، شناخت ناکافی نسبت به امکانات و ظرفیت‌های همکاری مشترک وجود رقبا و سنگ‌اندازی آنها برای گسترش روابط اجرا نشدن بسیاری از موافقت‌نامه‌ها و کمرنگ شدن اعتماد طرف افریقایی نسبت به وعده‌ها از سوی ایران</p>	<p>تهدیدها</p>
<p>توجه ویژه دولت به گسترش صادرات غیرنفتی در تدوین چشم‌انداز بیست‌ساله وجود پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های مناسب در تولید نفت خام، فرش، خشکبار، میوه، مواد پلاستیکی و... موقعیت جغرافیایی ایران برای ترانزیت کالا به آسیای مرکزی و قفقاز امنیت داخلی ایران بازار بزرگ و پرجاذبه ایران برای شرکت‌های افریقایی جنوبی ارائه سیاست‌های حمایتی از صادرکنندگان پرداخت یارانه و جوایز صادراتی وجود یادداشت تفاهم همکاری میان اتاق بازرگانی دو کشور امضای موافقت‌نامه پرهیز از دریافت مالیات مضاعف میان دو کشور حضور رایزن بازرگانی ایران در افریقای جنوبی</p>	<p>نقاط قوت</p>
<p>عدم تنوع در مبادلات تجاری دو کشور نبودن مرکز تجاری ایران در افریقای جنوبی برای ارائه خدمات فروش و پس از فروش تحمل عوارض گمرکی بالا به علت عدم عضویت ایران در مجامع و بازارهای مشترک منطقه از جمله کومسا^۱ و یا سادک^۲ بوروکراسی پیچیده در ایران دولت‌محور بودن برنامه‌ها و طرح‌ها از سوی ایران فعال نبودن اتاق مشترک بازرگانی میان دو کشور و نبود شعبه بانک‌های ایرانی در افریقای جنوبی اختلاف نظر و تنوع متولیان و نبود انسجام در فعالیت‌ها از سوی طرف ایرانی عدم بهره‌برداری از تجارب دیگر کشورها</p>	<p>نقاط ضعف</p>
<p>بهره‌گیری از توانمندی‌های صادراتی کشور برای صادرات محصولات مورد نیاز این کشور مانند نفت خام، فرش، اجیل، خشکبار، میوه، مواد پلاستیکی و محصولات شیمیایی آلی و غیرآلی تلاش برای افزایش سهم بازار کالاهای ایرانی با توجه به روابط تجاری دوستانه و ردیف‌های اعتباری میان دو کشور بهره‌گیری ایران از جایگاه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افریقای جنوبی به‌عنوان صدای جنوب انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد و تجارت ترجیحی بین ایران و افریقای جنوبی تبدیل ایران به محور ترانزیتی کالاهای کشورهای افریقایی به کشورهای همسایه</p>	<p>راهبردهای تهاجمی SO</p>
<p>تلاش برای بهره‌گیری و گسترش موافقت‌نامه‌های تجاری میان دو کشور</p>	<p>راهبردهای</p>



1. Common Market for Eastern and Southern Africa (COMESA)

2. Southern African Development Community (SADC)

تنوعی ST	تقویت جایگاه کالاهای ایرانی در ذهن خریداران این کشور از راه تبلیغات برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی کالاهای ایرانی در افریقای جنوبی برای افزایش نگاه مثبت به محصولات ایرانی شناسایی کالاهای مزیت‌دار داخلی مورد نیاز بازار افریقای جنوبی برای گسترش بازار و تنوع بخشیدن به محصولات صادراتی ایران
راهبردهای بازنگری WO	تلاش برای ارائه محصولات باکیفیت به بازار افریقای جنوبی به‌منظور تقویت جایگاه و سهم بازار ایران با توجه به تقاضای روبه‌رشد مصرف در این کشور ایجاد مرکز تجاری ایران در شهر ژوهانسبورگ و...
راهبردهای تدافعی WT	تلاش برای تقویت روابط بانکی و بیمه‌ای موجود میان دو کشور ارائه تسهیلات به شرکت‌ها و بازرگانان این کشور برای حضور پررنگ در بازارها و نمایشگاه‌های ایران کاهش بوروکراسی و اجرای موافقت‌نامه‌ها تقویت خطوط دریایی بین دو کشور برای افزایش مبادلات تجاری دوجانبه ایجاد خط مستقیم هوایی بین ایران و افریقای جنوبی
راهبردهای ترکیبی SWOT	بهره‌گیری ایران از جایگاه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افریقای جنوبی در راستای همکاری‌های جنوب - جنوب برنامه‌ریزی برای منسجم کردن فعالیت‌ها و عمل به موافقت‌نامه‌ها ارائه چهره مثبت از ایران به‌منظور کاهش تهدیدها انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد و تجارت ترجیحی میان ایران و افریقای جنوبی تقویت روابط بانکی و تأسیس بانک مشترک عرضه محصولات باکیفیت به بازار افریقای جنوبی برای ایجاد ذهنیت مثبت راه‌اندازی مرکز تجاری ایران در افریقای جنوبی

منبع: (بخشی، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۷ و مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۴۵).

نتیجه‌گیری

قاره افریقا با ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، در عصر پس از جنگ سرد و رونق منطقه‌گرایی، به یکی از مناطق تأثیرگذار تبدیل شده است. در این مجموعه، افریقای جنوبی با توجه به توانایی‌ها و تعامل کارگزار و ساختار نقش کلیدی دارد؛ به طوری که طی مدت کمتر از دو دهه از یک کشور منزوی به قدرتی منطقه‌ای و نوظهور تبدیل شده است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مدل سوات، به بررسی روابط ایران با قدرت منطقه‌ای افریقا پرداخته است و ضمن بررسی فرازوفروود در روابط دو کشور معتقد است با توجه به تأثیرگذاری، وزن ژئوپلیتیکی و نقش سیاسی کشور افریقای جنوبی، روابط با این کشور دستاوردهای کلانی از جمله تسهیل در روابط با دیگر کشورهای این قاره را نصیب ایران می‌کند و دو کشور با توجه به درک مشترک نسبت به بسیاری از موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی و شناخت بین‌الذهانی در قالب منطقه‌گرایی

شناختاری می‌توانند با همدیگر فعالیت کنند و به منطقه‌گرایی اقتصادی و سیاسی در قالب جامعه کشورهای حاشیه اقیانوس هند، همکاری‌های جنوب - جنوب و عدم تعهد کمک کنند. پتانسیل‌های روابط دوجانبه علاوه بر موارد یادشده در تأمین نیازهای استراتژیک متقابل مانند نفت، مواد غذایی، سرمایه‌گذاری متقابل، دیدگاه‌های مشترک سیاسی و بین‌المللی، حمایت در آژانس‌های بین‌المللی، فعالیت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، جمعیت مسلمان و... نیز قابل گسترش است. دو کشور دارای فرصت‌هایی مانند وجود روابط بلندمدت سیاسی و اقتصادی دوستانه، وجود بالقوه و بالفعل به‌عنوان قدرت منطقه‌ای و در حال ظهور، وجود توافقنامه‌های بازرگانی، فرهنگی و سیاسی میان دو کشور، وجود بازار مناسب برای محصولات و فراورده‌ها، اراده برای همگرایی منطقه‌ای و قاره‌ای، آگاهی کارگزاران دو طرف برای حل مشکلات و چاره‌اندیشی برای آن و... هستند. از سوی دیگر باید به موانع و مشکلاتی مانند دوری مسافت، شناخت ناکافی نسبت به امکانات و ظرفیت‌های همکاری مشترک، وجود رقبا و سنگ‌اندازی آنها برای گسترش روابط، اجرا نشدن بسیاری از موافقت‌نامه‌ها و کم‌رنگ شدن اعتماد طرف افریقایی نسبت به وعده‌های طرف ایرانی، بوروکراسی پیچیده و دولت‌محور بودن برنامه‌ها و طرح‌ها از سوی ایران، فعال نبودن اتاق مشترک بازرگانی میان دو کشور و نبود شعبه بانک‌های ایرانی در افریقای جنوبی، اختلاف نظر و تنوع متولیان و نبود انسجام در فعالیت‌ها از سوی طرف ایرانی، عدم بهره‌برداری از تجارب دیگر کشورها و... اشاره کرد. در این راستا لازم است تا راهکارهایی مانند بهره‌گیری ایران از جایگاه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افریقای جنوبی به‌عنوان صدای جنوب، تبدیل ایران به محور ترانزیتی کالاهای کشورهای افریقایی به کشورهای همسایه، تقویت جایگاه کالاهای ایرانی در ذهن خریداران این کشور از راه تبلیغات، کاهش بوروکراسی و اجرای موافقت‌نامه‌ها، تقویت روابط بانکی و تأسیس بانک مشترک برای تحقق بهتر روابط، عملی شود.

باید به این نکته نیز توجه داشت که امروزه، مناطق به یکی از ویژگی‌های مهم سیاست بین‌الملل تبدیل شده‌اند و از همگرایی منطقه‌ای می‌تواند مزایایی مانند توسعه اقتصادی و ادغام تدریجی در اقتصاد جهانی، بهره‌مندی از مزایای تجاری،

اصلاحات ساختاری سیاسی و اقتصادی، امنیت سیاسی، افزایش قدرت چانه‌زنی، ابزار هماهنگی، دریافت و توزیع اطلاعات و ایفای نقش تریبونی به‌دست آید. امروزه افریقای جنوبی و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای (از جمله دیگر اعضای اقتصادهای ملی در حال ظهور) با رشد اقتصادی و فعالیت‌های سیاسی و بین‌المللی به بازیگران مهم در عرصه اقتصادی و سیاسی تبدیل شده‌اند که می‌توانند دستاوردهای مثبتی مانند ایفا و گسترش همکاری‌های جنوب - جنوب، جلوگیری از یکجانبه‌گرایی و کاهش فشار امریکا و اروپا بر ایران داشته باشند که نمونه آن را در موضوعاتی مانند تحریم و یا موضوعات مرتبط با انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای شاهد هستیم. هرچند ذکر این نکته نیز ضروری است که قدرت‌های نوظهور ممکن است به‌منظور پذیرش و امکان ادامه رشد از سوی قدرت‌های بزرگ و فرامنطقه‌ای در بعضی از مواقع، سیاست‌های متناقض و متفاوتی اتخاذ کنند.



منابع

الف - فارسی

- بوزان، باری. ۱۳۸۹. *ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ (سیاست‌های جهانی در قرن بیست و یکم)*، ترجمه عبدالمجید حیدری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری و الی ویور. ۱۳۸۸. *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری. ۱۳۷۸. *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بخشی، احمد. ۱۳۸۸. «جایگاه افریقا در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس سند چشم‌انداز»، *پژوهشنامه افریقا*، سال اول، شماره اول، صص ۶۲-۲۹.
- بخشی احمد و جاوید قربان اوغلی. ۱۳۸۷. «بررسی روابط خارجی ایران و افریقای جنوبی»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۳۰-۱.
- پاک‌آیین، محسن. ۱۳۷۷. *سیاست و حکومت در افریقا*، تهران: نشر نقطه.
- تقفی عامری، ناصر و سعید تقی‌زاده. ۱۳۷۲. «افریقای جنوبی در دوران تحول»، *مجموعه مقالات سمینار افریقا*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- چمنکار، احمد. ۱۳۷۳. *افریقای جنوبی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- دامن‌پاک جامی، مرتضی. ۱۳۸۵. *راهنمای اقتصادی - بازرگانی کشور افریقای جنوبی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- سفارت جمهوری اسلامی ایران در افریقای جنوبی. ۱۳۹۲. «یازدهمین کمیسیون مشترک ایران و افریقای جنوبی برگزار شد»، تارنمای سفارت جمهوری اسلامی ایران در پرتوریا، به آدرس:
- www.embassysa.ir/index.php?
- سریع‌القلم، محمود، احمد بخشی و سیدکاظم سجادپور. ۱۳۸۵. «تبدیل ژئوپلیتیک جنگ به ژئوپلیتیک صلح (بررسی موردی سیاست خارجی افریقای جنوبی بر امنیت منطقه‌ای در دوره آپارتاید و پس از آن)»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال دوم، شماره سوم و چهارم، صص ۴۴-۲۲.



- شریفی ساداتی، سیدعلی. ۱۳۸۴. «تحلیل ژئوپلیتیکی مناسبات ایران و آفریقای جنوبی»، *رساله دکتری*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- فارل، ماری و دیگران. ۱۳۹۰. *سیاست جهانی منطقه‌گرایی: نظریه و رویه*، ترجمه داوود آقایی و ابراهیم طاهری، تهران: سرای عدالت.
- فرای، گرگ و جاسینتا اهیگن. ۱۳۹۰. *تصویرهای متعارض از سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- قاسمی، فرهاد. ۱۳۸۴. «طرح مفهومی و نظری مطالعات منطقه‌ای در سیاست بین‌الملل»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۷، بهار، صص ۱۹۹-۱۵۹.
- قنبرلو عبدالله. ۱۳۸۸. «مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دوازدهم، شماره ۴، زمستان، صص ۶۶-۳۷.
- عبدالله خانی، علی. ۱۳۸۲. *نظریه‌های امنیت*، جلد ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- کلایو، آرچر. ۱۳۸۴. *سازمان‌های بین‌المللی*، ترجمه فرزانه عبدالمالکی، تهران: میزان.
- لی‌نور. مارتین جی. ۱۳۸۳. *چهره جدید امنیت در خاورمیانه*، ترجمه قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجموعه آثار امام خمینی. ۱۳۷۲. جلد ۵، تهران: مؤسسه نشر آثار حضرت امام (ره).
- مسعودی، مصطفی. ۱۳۸۹. *راهنمای تجارت با کشور آفریقای جنوبی*، تهران: سازمان توسعه تجارت.
- موسوی، محمدعلی. ۱۳۸۸. «جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی: انفکاک یا همگرایی؟»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال اول، شماره سوم، پاییز، صص ۱۳۸-۱۱۹.
- مولر، بی. ۱۳۸۱. *امنیت منطقه‌ای خلیج فارس؛ از شکل‌گیری تا منازعه جامعه امنیتی*، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی.
- وزارت امور خارجه. ۱۳۵۰. *روابط خارجی ایران، سال ۱۳۵۰-۱۳۴۹*، تهران: وزارت امور خارجه.
- هتته، بیوردن، آندراش آینوتای و اوزوالدو سونکل. ۱۳۹۱. «جهان‌گرایی و منطقه‌گرایی نو»، *مجموعه کتاب‌های منطقه‌گرایی نو*، جلد ۱، ترجمه علیرضا طیب، تهران: اداره انتشارات وزارت امور خارجه.
- دیپلماسی ایرانی. ۱۳۹۱. «اعتراض آفریقای جنوبی به تحریم نفتی ایران»: <http://www.irdiplomacy.ir>.
- «چین، هند و آفریقای جنوبی؛ خریداران عمده نفت ایران»، *روزنامه جام جم*، سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۳۹۱، ص ۴: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2659600>.
- تراز تجاری ایران با آفریقای جنوبی: <http://fa.tpo.ir/userfiles/file/s%20africa-iran.pdf>.
- اتاق بازرگانی، صنایع و معادن استان تهران. ۱۳۹۳. «آمار کل واردات و صادرات جمهوری اسلامی ایران»:

<http://www.tccim.ir/ImpExpStats.aspx?mode=doit>.

ب - انگلیسی

- African Union. 2004. "Strategic Plan of the African Union", Vol. 1, pp. 6-8. In: www.africanunion.com.
- Department of International Relations and Cooperation. 2012. "Annual Report 2011-2012", In: www.dfa.gov.za/department/report_2011-2012/annual_report_2011-2012.
- Barber, James & John Barrett. 1990. **South Africa's Foreign policy: the Search for Status and Security 1945-1988**, Cambridge University.
- Biskhu, Michael, B. 2010. "South Africa and Middle East", **Middle East Policy Council**, pp.1-17.
- Broderick, Jim. 2001. **South Africa's Foreign Policy**, Palgrave.
- Cilliers, Jakkie. 1999. "An Emerging South African Foreign Policy Identity", **Institute For Security Studies**, (Occasional Paper), pp. 1-14.
- Ebrahim Ebrahim. 2013. "SA-Iran Relations: Update", **The South African Foreign Policy Initiative (SAFPI)**, in: <http://www.safpi.org/news/article/2013/sa-iran-relations-update>, last access: March, 20, 2014.
- Flemes, Daniel. 2007. "Conceptualizing Regional Power in International Relations: Lessons from the South African Case", **GIGA Research Programme: Power, Violence and Security (Working Papers)**, in: <http://ideas.Repec.Org>. last access: Aug, 22, 2014.
- Gurdon, Charles, Etal. 1994. "South Africa's Relationship with Middle East", **A Review of Middle East and Energy Affairs (JIME Review)**, No. 24, pp. 27-39.
- Nkomo, Jabavu Clifford. 2009. "Energy Security and Liquid Fuels in South Africa", **Journal of Energy in Southern Africa**, Vol. 20, No. 1, pp. 20-24.
- Rostow, W. 1990. "the Coming Age of Regionalism: A 'Metaphor' for our Time?", **Encounter LXXIV**, No. 5, pp. 3-7.
- Schoeman, Maxi. 2003. "South Africa as Emerging Middle Power: 1994 - 2003", John Daniel, Adam Habib and Roger Southall (eds), **State of the Nation: South Africa 2003 - 2004**, Cape town: HSRC Press.
- Spence, J. E. 1998. "the New South African Foreign Policy: Incentives and Constrains", **In F. H. Toas, the New South Africa**, Macmillan Press Ltd.



- Turner, Barry. 2012. **The Statesman's Yearbook 2013: The Politics, Cultures and Economies of the World**, 149th edition.
- Villiers, Les De. 2008. Africa 2008, Business Books International, USA.
- "World Population Prospects: The 2008 Revision" in: unstats.un.org/unsd/census2010.htm.
- 8th bilateral commission Iran-south Africa – 2004 in: www.dfa.gov.za/docs/2004/iran1217.htm.

